

# ایران کهن و آئین نوین او

## آئین بهائی: در امتداد فرهنگ ایران باستان

فرح دوستدار

مکتب‌های فکری و باورهای دینی در وهله اول فرزند مکان و زمان خود می‌باشند و نیازهای جامعه خود را جوابگو می‌گردند. این مقاله به برخی از ویژگی‌های فرهنگ اصیل ایرانی و باورهای کهن آن تکیه نموده و نشان می‌دهد که چگونه از بطن این ویژگی‌ها و در پاسخ به نیازهای عصر جدید، آئین نوینی در ایران زمین پا به عرصه وجود می‌نهد و آن فرهنگ بلند پایه را که چندینست درفشش فرود آمده و فضایش غمناک گشته نشئه‌ای نو می‌بخشد تا دارش دوباره پر شکوفه و بار گردد و در سرحلقه فرهنگ‌های پیشرفته جهان در آید. آئین بهائی هدیه مام وطن به فرزندان این مرز و بوم است.

بخش اول این مقاله به برخی از ویژگی‌های فرهنگ ایران باستان اشاره می‌کند و بخش دوم نشان می‌دهد که چگونه این ویژگی‌ها همراه با اصول نوینی که جواب‌گوی مشکلات کنونی جهان است در آئین بهائی جلوه‌گر شده و بار دیگر خطه‌ی ایران را بعنوان مأمن معنویات و افکار بلند پایه زبانزد جهانیان می‌سازد.

### بخش اول: ویژگی‌های فرهنگ ایران باستان

تمدن ایران باستان گنجینه‌ای از هنر، اندیشه، اخلاق، فرزادگی، آداب و رسوم و سنت‌ها است که در برهه‌ای از زمان موجب رفاه مردمان و سربلندی این سرزمین گردید. ایران در دوران هخامنشیان بستر شکوفایی یکی از نخستین تمدن‌های جهانی شد. کوروش کبیر با مدارا و آشتی، آزادی فکر و آزادی قدم و قلم در راه آبادانی این ملک گام برداشت و راه رسیدن به دولت جهانی را هموار ساخت. بر ماست که با جستجو و تفکر در تاریخ میهنمان ویژگی‌های مثبت و سازنده آنرا احیا نموده و عوامل سرشکستگی و انحطاط ملی را از خود دور ساخته و به طومار تاریخ بسپاریم.

### جشن و شادی در ایران کهن

شادی و نشاط در فرهنگ آریائی نقش بارزی داشته. همان گونه که در کتیبه‌های داریوش مشاهده می‌شود و تاریخ نیز نشان می‌دهد ایرانیان مردمانی جشن‌باز بوده‌اند. در آئین زردشتی

شادی به عنوان آفریده اهورامزدا و سوگ، اندوه و غم آفریده اهریمن نام برده می‌شود. جشن وشادی، کار و کوشش، سازندگی و روشنایی، بالندگی و نمو، شهد و شیرینی، گیاهان مفید و زندگی آفرین، جانوران سودمند، سپیدی و رنگهای شاد، ماه و خورشید و ستارگان، و هر کردار و گفتاری که به پیش‌برد زندگی و سازندگی و دوام و پایداری آن یاری می‌کند از کارها و خواسته‌های اهورا مزدا است و او آن‌ها را پشتیبانی می‌کند. برعکس، سوگواری و غم، گریه و شیون وزاری، تباهی و نابودی و تاریکی، تنبلی و کاهلی و رکود و جمود، سیاهی و کبودی و تلخی و هر چه زندگی را از سازندگی به تباهی و انهدام می‌برد در تحت تأثیر اهریمن است.

تعداد جشن‌ها در ایران باستان زیاد و از دو دسته بزرگ تشکیل می‌گردید: جشن‌های ماهیانه و جشن‌های سالیانه. در گاه‌نامه‌ی ایران قدیم، ایام هفته وجود نداشت و برای هر یک از سی روز ماه، نام خاصی وجود داشته است. سال به ۱۲ ماه تقسیم می‌شد و هر ماه ۳۰ روز و در آخر هر ماه قبل از عید نوروز ۵ روز به سال اضافه می‌شد که به آن پنجه دزده می‌گفتند. دوازده روز از این سی روز، هم‌نام دوازده ماه بود. هرگاه که نام ماه و روز یکی می‌شد جشن می‌گرفتند. باین ترتیب در هر ماه یک روز مخصوص جشن ماهیانه بود به جز ماه دی که سه جشن داشتند. علاوه بر این چهارده جشن ماهانه، هفت جشن مهم سالانه نیز دارای اهمیت خاصی بود: - جشن نوروز، جشن مهرگان، جشن سده، جشن زایش آسوزرتشت، جشن‌های گامان بار، جشن سیرسور، جشن پنجه ۱.

این جشن‌ها که بهانه‌ای بود برای گرد هم‌آیی، دوستی‌افزایی و چاره‌اندیشی جهت گرفتاری‌ها و کمک و یاری به یکدیگر با مراسم و آداب ویژه‌ای آغاز می‌شد که بیشتر آن خواندن سرودها و دعاهای اوستا بود. سپس با درخواست آموزش و شادروانی برای درگذشتگان، انواع خوراکی‌های نذری و میوه و شربت و آجیل بین مردم پخش می‌گردید.

روحیه شاد و جشن آفرین میراث فرهنگی ایرانیان است. حملات و سُلطه بیگانگان بر این مرز و بوم و بسط فرهنگ عزا و شیون و زاری و دشمنی و کشتار هرگز نتوانست این خمیرمایه فرهنگی را نابود سازد.

### موسیقی و هنر

آثار هنری دوره‌ی هخامنشی نشانگر آنست که هنر موسیقی در این دوره همگام با سایر صنایع و هنرها پیشرفت و ترقی داشته است. اقوام آریایی از دیرزمان با هنر موسیقی آشنایی داشتند و در تهیه آلات و وسایل مختلف و تنظیم آهنگ‌ها و ترانه‌های زیبا نقش موثری داشته‌اند. در کاوش‌های باستان‌شناسی که بین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ میلادی در تپه «چغامیش» خوزستان در نزدیکی دزفول صورت گرفته، سندی پنج هزارساله به دست آمده است که کهن‌ترین هم‌نوازی یعنی ارکستر جهان را در خود به یادگار دارد. ۲

موسیقی با رقص در ایران باستان همراه بوده. در دوره اشکانیان نیز مانند روزگار هخامنشیان، موسیقی و رقص‌های رزمی و بزمی اجرا می‌شده است. ایرانیان، رقص را به خوبی اسب سواری

می‌آموختند، چون معتقد بودند رقص ورزشی است که مولد نیروی جسمی می‌باشد. در آیین مهر که گونه‌ای از آن در میان پارت‌ها رواج داشته، برخی از نیایش‌ها و پرستش‌های آن که توأم با نمایش‌های نمادی و رمزی بوده با نوعی از رقص‌های گروهی توأم بوده است. واضح است فرهنگی با چنین پیشینه هنری، تن‌بزیر تحریم موسیقی و رقص نخواهد داد.

### جایگاه زن در نزد پارسیان پیشینه

در هیچ یک از ادوار گذشته زنان از تساوی کامل حقوقی با مردان بصورتی که امروزه در جوامع مترقی مطرح است برخوردار نبودند. ولی بطور نسبی و در برخی از زمینه‌ها جایگاه زن در ایران باستان پیشرفته‌تر از فرهنگ‌های دیگر آن زمان و حتی ایران کنونی بوده است. یکی از وجه تمایزهای مهم دوران باستان اجازه انتقال سلطنت از پادشاه به دختر بود. در دوران مادها دختر و داماد پادشاه می‌توانستند جزو وارثین وی باشند. آخرین پادشاه مادها "آستیاک"، دارای فرزند پسر نبود و دختر آستیاک شاهزاده ماندانا، مادر کوروش کبیر بود و این مسأله در انتقال قدرت به کوروش نقش مهمی را بازی کرد. ماندانا مؤسس مدارس هخامنشی برای نوجوانان ایرانی گشت که در آن فنون تیراندازی و اسب سواری را آموزش می‌دادند.

با روی کار آمدن کوروش کبیر و حکونت هخامنشیان و در تحت قوانین آنها، زنان در موقعیتی قرار گرفتند که در دنیای آن زمان بی‌نظیر بود. در دوران خشایار شاه، چهارمین پادشاه سلسله هخامنشیان که از 486 تا 465 قبل از میلاد برگستره‌ای پهناور از جهان باستان فرمانروایی داشت، احتمالاً برای نخستین بار در تاریخ یک زن به مرتبه دریا سالاری یا فرماندهی نیروی دریایی خشایار شاه رسید که نامش «آرتمیس» بود. تعداد بی‌شماری از زنان آن دوره مسئولیت‌های مهم سیاسی را به عهده داشتند. فرمانده آرسیاب زنی داشت به نام پانته‌آ، که فرمانده گارد جاویدان بود. استاتیرا، دختر داریوش سوم فرمانده نیروهای جنگی آن زمان بود.

در دوران ساسانیان که سی و پنج پادشاه حکومت کردند دوزن به پادشاهی رسیدند: پوراندخت و آذرمیدخت دختران خسرو پرویز. دوران پادشاهی پوراندخت یکی از سخت‌ترین دوران ایران از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. افزون بر آن، آفات زمینی و آسمانی مانند سیل دجله و فرات، زلزله و فروپاشی سدها در پایتخت (تیسفون)، سلطنت را برای آن‌ها دشوارتر کرده بود. از جمله کارهای چشمگیر پوراندخت در تاریخ پیوند دوستی با سزار روم و برگرداندن صلیب حضرت عیسی به اورشلیم است. سکه‌هایی از او به جا مانده که نشانگر زمان سلطنت اوست. او پادشاهی دادگستر و نیکو سیرت بود و خراج یکسال را به شهروندان بخشید. آذرمیدخت دختر دیگر خسرو پرویز بود که در تیسفون تاج بر سر نهاد. فردوسی در شاهنامه از او به نیکی یاد می‌کند.

یکی دیگر از وجه تمایزهای این دوران پوشاک زنان است. واژه حجاب در فرهنگ واژگان پارسی وجود ندارد. نسبت به محل زندگی، آب و هوا و شیوه کار و زندگی هر شهر و روستا پوشش‌های گوناگونی وجود داشته که نمونه آن را هم اکنون در پوشش زنان گیلکی، مازندرانی، کرد، لر، بلوچ، بختیاری، اقوام دیگر و زرتشتیان مشاهده می‌کنیم. در اوستا و گات‌ها لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است و قانونی وجود ندارد که زرتشتیان را ملزم به پوشانیدن سر و موی خود کند.

دو ویژگی در پوشش زنان ایران باستان به شکل یکسان وجود دارد: نخست آنکه این پوشش‌ها با رنگ‌های طبیعت همگون است یعنی رنگ‌های سرخ، سبز، ارغوانی، زرد و دیگر رنگ‌ها و کمتر از رنگ‌های تیره به ویژه سیاه استفاده می‌شده زیرا این رنگ‌ها را افسردگی آور و غم‌انگیز می‌دانستند. دوم اینکه در همه پوشش‌ها دست‌های زن و مرد برای انجام کارها به‌ویژه برای کشاورزی آزاد بوده.

### مدارا با دگر اندیشان

مرام انسانی کورش و آزادی خواهی او، رفتارش با اقوام همسایه، استقبال مردم بابل از فتح او و آزاد کردن اسیران یهودی و احترام به سایر باورهایی که در سرزمین‌های فتح شده حکم فرما بوده واقعیتی تاریخی است که در نوشته‌های متعدد آورده شده است - از جمله در تاریخ یهود<sup>۳</sup> و تاریخ تمدن ویل دورانت.<sup>۴</sup> با کشف کتیبه حقوق بشر کورش بزرگ در حفاری‌ها، سند تاریخی دیگری به این مجموعه اضافه گردید. برگردان بخش حقوق بشر این کتیبه به این ترتیب است:<sup>۵</sup>

"منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه‌ی جهان، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، ... نوه کوروش، شاه بزرگ، ... نبیره چیش پیش، شاه بزرگ ... آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام‌های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک خدای بزرگ دل‌های مردم بابل را بسوی من گردانید، ...، زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید. نابسامانی درونی بابل و نیایشگاه‌های آنجا دل مرا بدرد آورد... من برای آرامش کوشیدم. من برده داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند. فرمان دادم که هیچ‌کس مردم شهر را نیازارد و به دارایی آنان دست یازی نکند.

مردوک خدای بزرگ از کار من خشنود شد... او مهربانی‌اش و فراوانی را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در آشتی و آرامش پایگاه بلندش را ستودیم. من همه شهرهایی را که ویران شده بود از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایشگاه‌هایی را که بسته شده بود، بگشایند. همه خدایان این

نیایشگاه‌ها را به جاهای خود بازگرداندم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به جایگاه‌های خود برگرداندم و خانه‌های ویران آنان را آباد کردم. همچنین پیکره‌ی خدایان سومر و اکد را که نبونید، بدون هراس از خدای بزرگ، به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک خدای بزرگ و به شادی و خرمی به نیایشگاه‌های خودشان بازگرداندم. باشد که دل‌ها شاد گردد. بشود که خدایانی که آنان را به جایگاه‌های نخستین‌شان بازگرداندم، هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم زندگانی بلند خواستار باشند. من برای همه مردم معبودگاهی آرام مهیا ساختم و آرامش را به تمامی مردم پیشکش کردم."

رویه مدارا با دگراندیشان بنا به اسناد تاریخی منحصر به زمان کورش بوده. در دوران ساسانیان و در طول تاریخ ایران تا عصر حاضر آزار و کشتن و قلع و قمع دگراندیشان در ایران متداول بوده است. با وجود مدت کوتاهش می‌تواند دوران درخشان سلطنت کورش الهام بخش آنانی باشد که در تکاپوی بازسازی ایرانند. همچنانکه دموکراسی یونان باستان نیز دورانی کوتاه و منحصر به آتن بود و با دموکراسی‌های کنونی فرقی فاحش داشت. ولی نظریه مشروعیت دادن به حکومت بوسیله رأی و خواست مردم و شرکت همگانی و مساوی در امور مملکتی از قرن هفده میلادی ببعده مرجع و منبع الهام فلاسفه گردید و پس از تحولات بسیار منجر به تشکیل دموکراسی و زوال و نابودی استبداد و انزجار مردم از حکومت‌های خودکامه و ظالم شد. یک اندیشه والا می‌تواند همانند برج راهنما در شب‌های تاریک و طوفانی، کشتی سرگردان را به ساحل نجات هدایت کند.

### بخش دوم: آیین بهائی - نسیمی تازه بر کالبد پژمرده میهن

در سده نوزده میلادی هنگامی که در جهان غرب موج تحولات بنیادین و نوآوری‌ها، اختراعات و اکتشافات، انقلاب‌های صنعتی و اقتصادی سنت‌های گذشته را درهم کوبیده و فرهنگ و هنر مدرن را جایگزین آن می‌ساخت، ایران در یکی از تاریکترین دوران خود بسر می‌برد. جامعه ایرانی در این سده بگفته احمد یوسف، پژوهشگر و نویسنده کتاب «قرن گم شده، بی‌حقی عمومی و ترس همگانی شده» گوئی در برابر تندبادهای تغییر و تحول به خواب ابدی فرو رفته بود. در این روزگار جمودت و خمودت فرهنگی، آئین بهائی با نوید طلوع عصری جدید، در ایران پا به عرصه وجود گذاشت. اولین ندای بنیان‌گذارش، بیدار ساختن مردمان از خواب چند صدساله خرافات تعصب و تقلید کورکورانه است. ارج نهادن به منزلت انسان‌ها، رفاه و خوشبختی جمیع افراد بشر بدون توجه به باورها یا نژاد و ملیت آنان، ترک خشونت و صلح و محبت به جمیع نوع بشر در محور تعالیم این آئین نوین قرار دارد. جستجوی انفرادی حقیقت و شناخت مستقل واقعیت‌ها، برابری انسانها، تساوی زنان با مردان، تعلیم و تربیت اجباری و عمومی، تطابق دین با علم و عقل، از میان برداشتن فقر و توزیع عادلانه ثروت، عدالت اجتماعی، جدائی دین از سیاست، لزوم توجه

به اصالت معنوی انسان و احترام و شناخت سایر ادیان، از جمله تعالیمی هستند که راه را بسوی جامعه‌ای روشن‌نگر، عدل‌پرور و متمدنی می‌کشایند.<sup>۶</sup>

## ویژگی های باستانی در قالب آیینی نوین

علاوه بر اصول و احکامی که جواب‌گوی نیازهای جامعه‌ای مدرن و پیشرفته بوده و مقدرند فرهنگ نوینی را بنا سازند، بسیاری از سنت‌های سازنده و مفید ایران باستان در آیین بهائی بشکل تازه‌ای جلوه گر شده است. نه با لشکر و سپاه بلکه با قلبی مملو از عشق به انسان‌ها و در نهایت صلح و صفا پیروان این آیین در طول صد و شصت سال گذشته تعالیم حضرت بهاءالله را به کشورهای دور و نزدیک برده‌اند. ۷ هم‌اکنون بهائیان جهان که تعدادشان همواره رو به تزاید است تمامی نژادها و ملل جهان را در بر می‌گیرند و در نه هزار و چهارصد و بیست و پنج نقطه جهان پخش گشته‌اند. بسیاری از سنت‌های باستانی ایران در آموزه‌های بهائی جلوه‌ای نو یافته است:

## جشن و شادی

بهائی آئین سرور و شاداست. بنا به فرموده بهاءالله "امروز عالم به انوار ظهور منور و جمیع اشیاء به ذکر و ثنا و فرح و سرور مشغول." ۸ مروری بر آموزه‌های بهائی نشان می‌دهد که تا چه حد در این آئین به سرور و شادی و محبت و لطافت و پاکیزگی و زیبایی و هر آنچه که زندگی مردمان را رونق و بهبودی می‌بخشد ارج نهاده میشود. شادی درونی و معنوی که سروری حقیقی و پایدار است موجب تندرستی جسم و روان انسان می‌گردد.

بهترین تجلی شادی و سرور جمعی را در جشن‌ها می‌توان دید که تعداد آن‌ها در این آیین بسیار و همانند ایران باستان به دو گونه ماهانه و سالانه برگزار می‌شوند. گاه‌نامه بهائی سال را به نوزده ماه و هر ماه را به نوزده روز تقسیم می‌کند. ماهی یکبار جشن یا ضیافتی برگزار میشود که آنرا ضیافت نوزده روزه می‌نامند.

سال بهائی با شروع بهار و عید نوروز آغاز می‌گردد. بوسیله دیانت بهائی نوروز جشنی جهانی گردیده. چند روز اضافه بین ماه هجده و نوزده قرار دارد که ایام جشن و اعطا و دادن مهمانی و بخشش است.

عید بزرگ دیگر عید رضوان است و آن هنگامی است که حضرت بهاءالله رسالت خود را در بغداد اعلام نمود و باین مناسبت از اول اردیبهشت بمدت دوازده روز جشن گرفته میشود.

روز میلاد حضرت باب که مقام مبشر این آئین را داراست و روزاظهار امر یا اعلام رسالت ایشان وهمچنین میلاد حضرت بهاءالله سه جشن بزرگ دیگرند.

سوگواری و شیون و زاری و مراسم عزاداری در این آئین وجود ندارد. برای سه روز مهم یعنی روز شهادت باب و دوروز درگذشت بهاءالله و فرزند ارشد و جانشین او عبدالبهاء بهائیان محفل یادبودی جهت بزرگداشت این نفوس از جان گذشته برگزار میکنند و تاریخچه زندگی و خدمات آنان را مرور می نمایند و با نیایش ها و مناجات ها یاد آنان را گرامی می دارند.

بطور کلی این آئین از شیون و زاری دوری می جوید. مرگ را انتقالی می داند از این جهان مادی بسوی عالمی روحانی و دری بسوی شادی و آسایش ابدی. برای رفتگان نباید زاری کرد زیرا غم ما روح آنان را آزرده می سازد. در مورد لباس سیاه جهت عزا و سایر آداب توصیه ای نگردیده و بعنوان مسئله ای خصوصی به خود شخص واگذار شده است.

## موسیقی و هنر

هنر و صنعت در این آئین جایگاه بلندی دارد. بفرموده حضرت عبدالبهاء: «در امر بهائی صنایع و علوم و هرگونه هنر و حرفه عبادت محسوبست کسی که با کمال مهارت و از روی وجدان یک ورق کاغذ می سازد و برای اتقان آن تمام نیرویش را بکار می برد مثل اینست که عبادت خدا می کند خلاصه هرگونه کوشش و تلاشی که از طرف انسان با تمام قلب اجرا شود عبادت محسوب است بشرط اینکه منبعث از نوایای عالییه و بقصد خدمت بنوع انسانی باشد.»<sup>۹</sup>

موسیقی وسیله ای برای اعتلای روح انسان است. حضرت عبدالبهاء توجه شدیدی به تحریر و تشویق جامعه بهائی برای استفاده مطلوب از نفوسی که دارای استعداد موسیقی هستند معمول فرموده اند: «هنر موسیقی آسمانی و مؤثر است موسیقی مانده روح و جان است. با نیروی سحرآمیز موسیقی روح انسان تعالی می یابد. موسیقی هیجان و تاثیر شدیدی در قلوب اطفال ایجاد می کند زیرا قلوبشان پاک و بی آلایش است و نعمات موسیقی در آن تاثیر شایان دارد و استعدادهای نهفته ای که در قلوبشان بودیعه نهاده شده از طریق موسیقی ظهور و بروز می نماید.» و در نامه ای به بانوی امریکائی مینویسند:

«ای مرغ خوش الحان، جمال ابهی در این دور بدیع حجابات اوهام را خرق نموده و تعصبات اهالی شرق را ذم و قدح فرموده. در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود ولی در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدس تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فن موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه. پس ای شهنواز باآوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل باهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و

هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و تبّتل و تضرّع بملکوت ابهی کند و علیک البهآء  
الابهی. ع.ع» (در گلزار تعالیم بهائی، صفحه ۲۹۳)

## جایگاه زن در آئین بهائی

در آموزه‌های بهائی زن و مرد به دو بال پرنده تشبیه می‌گردند. پرنده هنگامی می‌تواند اوج گرفته و پرواز کند که دو بال او هم‌سان و هم‌زمان فعال باشند. زنان باید در تمام رده‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوش به دوش مردان فعال گردند. مشارکت زنان در تمام زمینه‌های اجتماعی از دیدگاه بهائی شرط لازم جهت دستیابی به صلح در جهان است. ۱۰ «... ممکن نیست سعادت عالم انسانی کامل گردد مگر به مساوات کامله زنان و مردان.» ۱۱

پیش از آنکه زنان در امریکا و اروپا از حق رأی و شرکت در انتخابات برخوردار گردند حضرت عبدالبهآء پس از آزادی در سفرهای خود به اروپا و امریکا بین سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ در سخنرانی‌های خود خصوصاً در مجامع زنان اهمیت آزادی زنان و همکاری آنان را جهت برقراری تعادل و عدالت در اجتماع و صلح در جهان شرح می‌دهند:

«مرد بیش از زن تمایل به جنگ و خونریزی دارد - و چون نسوان (زنان) در عالم انسانی نفوذ و تأثیر کلی یابند از جنگ محققاً جلوگیری نمایند پس نسوان از جنگ مانند مردان قناعت و رضایت درونی حاصل نمایند و نفرت و انزجار آنان نسبت به جنگ باید برای استقرار و حفظ صلح عمومی مورد استفاده قرار گیرد.» ۱۲

ویاز در این مورد: «جهت نمائید تا آمال صلح عمومی بین المللی از راه مساعی زنان تحقق یابد زیرا مرد بیش از زن رغبت به جنگ دارد و شاهد و گواه حقیقی برای ثبوت افضلیت زن بر مرد خدمت و جدیتی است که در راه استقرار صلح عمومی بکار برد.» ۱۳

زنان در این آئین از همان آزادی هائی برخوردارند که شامل مردان نیز میگردد. طاهره ملقب به قره‌العین اولین زنی بود که حضرت باب را شناخته و به او ایمان آورد. او اولین زن فاضلی بود که هنگام تدریس به مردان کشف حجاب کرده و باین ترتیب طلوع عصر جدید را اعلام نمود. نوع پوشش زنان در آئین بهائی مسئله‌ای شخصی و به خود آنان واگذار گردیده. تنها توصیه حضرت بهاء‌الله به پیروانش در مورد پوشش آنست که پوشش شما باید نوعی باشد که مورد تمسخر بی‌خردان واقع نگردد.

## خیر خواهی و محبت با دگر اندیشان

آئین بهائی قدمی فراتر از مدارا و سازش نهاده و پیروانش را به محبت و دوستی با همه انسان‌ها بدون توجه به باورهای آنان و قوم و ملیتشان دعوت می‌کند: «بجمیع ملل عالم از آدم تا خاتم بجان



و دل خیرخواه و مهربان باشید ابداً بضرر نفسی ولو عدو شدید باشد راضی نگردید بلکه بالعکس در خیر اوبکوشید...» ۱۴

«از جمله‌ی تعالیم حضرت بهاءالله اینست که انسان باید در جمیع شئون و احوال سماحت (جوانمردی) داشته باشد دشمن را دوست شمرد و بدخواه را خیرخواه بداند نه آنکه دشمن را دشمن بداند و مدارا نماید و مبعض را مبعض بداند و حسن اخلاق بنماید. میفرماید اینگونه عمل نمودن تزویر است حقیقت ندارد بلکه شما باید دشمن را دوست ببینید و بدخواه را خیرخواه بدانید و باین دستورالعمل معامله کنید یعنی محبت و مهربانی و خیرخواهی شما حقیقی باشد نه مدارا زیرا مدارا بیک درجه تزویر است» ۱۵

خشونت به هر نوعی مطرود است. باید از زخم زبان نیز پرهیز نمود. حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به بهائیان امریکا میفرماید: «زهار زهار از اینکه قلبی را برنجانید. زهار زهار از اینکه نفسی را بیازارید. زهار زهار از اینکه با نفسی بخلاف محبت حرکت و سلوک کنید. زهار زهار از اینکه انسانی را مأیوس کنید. هر نفسی که سبب حزن جانی و نومیدی دلی گردد، اگر در طبقات زمین مأوی جوید بهتر از آنست که بر روی زمین سیر و حرکت نماید». و نیز تعلیم میفرماید: «همچنانکه گل درغنچه پنهان است همینطور در قلب هر انسانی هر قدر به ظاهر قاسی و ناپسند باشد آیتی از روح الهی موجود است. بنابراین بهائی حقیقی نسبت به هر کسی چنان رفتار می‌کند که باغبان از گیاه کم‌یاب و زیبا محافظت می‌نماید و می‌داند که دخالت شتابزده از طرف او باعث شکفتن غنچه و ظهور گل نخواهد شد و تنها اشعه‌ی شمس حقیقت است که این کار را می‌کند. و بنابراین مقصد بهائی اینست که شعاع آفتاب جانبخش را در تمام دل‌ها و خانه‌های تاریک داخل نماید.» ۱۶

### چشم انداز آینده

ایران زمین در مسیر تاریخ خود فراز و نشیب‌های بی‌شماری را پشت سر نهاده. در دوران تاریکی از تاریخش پیدایش آئین زردشتی به آن فرهنگ کهن زندگی تازه بخشید. در باره این زمان و ارتباط آن با دوران ما و آئین بهائی که زاده دیگری از این مرز و بوم است حضرت عبدالبها در خطابه‌ای چنین می‌فرماید:

«نصایح و وصایای حضرت زردشت واضح است که الهی است. ... آن کوکب نورانی افق ایران را روشن کرد عالم اخلاق را تعدیل فرمود و ایرانیان را بتربیت الهی تربیت کرد... باری چون حضرت زردشت در قرآن صریحاً مذکور نیست لهذا اهل فرقان انکار او کردند و اعتراض بر او داشتند. حضرت زردشت در قرآن بعنوان پیغمبرسواحل رس (رود ارس) ذکر شده و بزرگواری حضرت مثل آفتاب است. تا یوم ظهور جمال مبارک (حضرت بهاءالله) بزرگواری حضرت زردشت مستور بود بعد جمال مبارک اسم حضرت را بلند نمودند و در الواح ذکرش فرمودند که حضرت زردشت یکی از مظاهر مقدسه الهیه بود... این قضیه نیز سبب الفت و محبت و ارتباط و وحدت

عالم انسانی است. جمال مبارک جمیع امم را در ظلّ جناح عنایت خویش گرفت و کلّ را دلجوئی فرمود و بجمیع مهربانی کرد لهذا امرش رحمت عالمیان است و ظهورش سبب نجات من علی الارض و مسرت جمیع ملل» ۱۷

در این چند کلمه باید پیشینه فرهنگی ایران زمین را زنده نگهداریم: شادی و سرور، موسیقی و نوای خوش و رنگ‌های نشاط‌آور، دوری از خشونت و پرخاش بر دیگری، وحدت در گوناگونی و زندگی صلح‌آمیز اقوام و ادیان گوناگون در کنار یکدیگر. حال بر ماست که این میراث ملی را ارج نهیم و به آن جانی تازه بخشیم. بر ماست که تفاوت‌ها را بپذیریم و آنچه که ما را بعنوان نوع بشر به هم مرتبط می‌سازد بزرگ داریم و در خیمه یگانگی و در تحت منشور حقوق بشر، ایرانی نو بسازیم.

#### یادداشت‌ها و منبع‌ها:

- ۱- تفسیر این جشنها را میتوان در مقالات و سایت های مختلف تحت عنوان جشن های ایران باستان مطالعه نمود از جمله سایت:  
<http://www.rasekhoon.net/Article/Show-45552.aspx>
- ۲- شرح بیشتر در سایت: <http://www.ariya2568.mihanblog.com/post/11>
- ۳- مراجعه شود به: <http://ancientpersians.mihanblog.com/post/15>
- ۴- دانلود-کتاب-تاریخ-تمدن-ویل-دورانت/<http://pdf.tarikhema.ir/PDF/>
- ۵- در ویلاگ مهر میهن - تاریخ و فرهنگ ایران زمین:  
<http://mehremihan.persianblog.ir/post/18>
- ۶- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به سایت آئین بهائی: <http://www.aenebahai29.info/>
- ۷- آمار بروز را در این سایت می یابید: <http://www.bahai.us/bahai-statistics>
- ۸- دور بهائی صفحه 18 : <http://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-20.html#pg18>
- ۹- در کتاب "بهاء الله و عصر جدید" صفحه ۹۵
- ۱۰- مراجعه شود به کتاب "بهاء الله و عصر جدید" صفحه ۱۶۶
- ۱۱- در "خطابات حضرت عبدالبهاء" جلد ۲ صفحه ۱۵۰
- ۱۲- در کتاب "مقام و حقوق زن در دیانت بهائی" تألیف احمد یزدانی صفحه ۹۱
- ۱۳- در همان کتاب صفحه ۹۲
- ۱۴- در کتاب "طراز الهی" صفحه 269
- ۱۵- سخنرانی حضرت عبدالبهاء در شهر اوکلند در کالیفرنیا در جمع بهائیان در ۳۰ اکتبر 1912
- ۱۶- مکاتیب حضرت عبدالبهاء - جلد ۷ صفحه ۲۴۸
- ۱۷- در کتاب خطابات جلد ۳ صفحه ۵۰